



۲۰۱۶/۰۳/۲۰

ف - فردوس

«خلای اطلاعاتی» موضوعیت ندارد

**این مضمون پنج روز بعد از فاجعه قتل دختر بیگناه، بی پناه و مظلوم افغان "فرخنده" (۲۰۱۵/۰۳/۲۸) که هنوز
معلومات دقیقی از جریان کشتار وحشیانه آن هموطن مظلوم و بی دفاع در دست نبود، تحریر گردیده است**

حمایت والی قدرتمند بلخ از محمد ایاز نیازی، خطیب مسجد وزیر محمد اکبرخان کابل، بسیار شتاب زده و ناموجه بود. والی بلخ با صدور اعلامیه ای گفته است که آقای نیازی در «خلای اطلاعاتی» حرف هایی زد و اشتباهی کرد و دیگر سزاوار اهانت و انتقاد نیست. در این شکی نیست که هر انسانی خطا می کند. حتی نخبگان بشریت هم خطا کرده اند. افلاطون، ارسطو، مانسکیو، ابن خلدون... همه در تحقیقات و زندگی شخصی شان خطا کرده اند. وقتی نخبگان بشریت خطا می کنند، تکلیف بقیه روشن است. هر کسی که خطایی کند و از این بابت عذر بخواهد، در هیچ گوشه ای از جهان مورد تعقیب قانونی قرار نمی گیرد. اهانت هم به لحاظ اخلاقی رفتاری نا موجه است. اهانت هیچ کسی اخلاقی نیست. حتی مجرمان متکرر و تروریست های قاتل انسان های بی گناه را هم نباید اهانت کرد. در قوانین بسیاری از کشورهای جهان، توهین اشخاص و افراد، سرحد آزادی بیان است. اهانت و هتک حرمت، در محاکم بسیاری از کشور های جهان پی گرد قانونی دارد. به همین دلیل، هیچ کسی از اهانت به افراد و اشخاص دفاع نمی کند. اما انتقاد استفاده کنندگان شبکه های اجتماعی و برخی از فعالان مدنی از آقای ایاز نیازی، دلیل دیگر دارد. در این جا «خلای اطلاعاتی» اصلا موضوعیت ندارد. آقای نیازی / در خطبه های نماز جمعه بیست و نه حوت سال گذشته، به نحوی از محاکمه و مجازات صحرائی کسی که قرآن را می سوزاند، دفاع کرد. ویدیوی این سخنرانی موجود است.

ایشان در این سخنرانی فرمودند که: وقتی کسی قرآن را در خیابان می سوزاند، مردم مکلف نیستند بررسی کنند که آیا قرآن سوز از صحت کامل روانی برخوردار است یا نه. این دفاع آشکار از محاکمه صحرائی است. دفاع از محاکمه صحرائی، پشت پا زدن به قانون است. بر مبنای قوانین افغانستان، صلاحیت قضایی در انحصار محاکم رسمی است. همین قوانین حکم می کند که صلاحیت قضایی غیر قابل انتقال است. فساد در محاکم، مداخله پذیری محاکم و جاهل بودن مسئولان محاکم، هیچ کدام نمی تواند دلیل انتقال صلاحیت قضایی از محاکم رسمی به مردم عام شود. بر مبنای قوانین افغانستان، هتاک به ساحت باورهای دینی مسلمانان و هندو باوران جرم است.

نظام حقوقی کشور ما هم چنین حکم می کند که اشخاص و افراد متهم به هتک حرمت باور های دینی مردم، در یک محکمه رسمی محاکمه شوند. نظام حقوقی کشور ما که به باور حقوق دانان زبده، برگرفته از احکام فقهی اهل سنت است، محاکمه صحرایی اتباع را منع کرده است. بنا بر این نفس محاکمه صحرایی یک تبعه متهم قبیح و غیرقانونی است. قوانین و اخلاق هیچ استثنایی در این مورد قایل نیست. در هیچ بند قانون نوشته نشده است که مردم عام حق دارند، یک قرآن سوز را محاکمه کنند. اگر فرخنده واقعاً قرآن را آتش می زد، باز هم مردم عام صلاحیت محاکمه او را نداشتند. نه اوباش های صحرایی صلاحیت قضایی دارند و نه مردم شریفی که در کوچه و بازار گشت و گذار می کنند.

صلاحیت قضایی در انحصار محاکم رسمی است. اما آقای نیازی در خطبه های نماز جمعه، این اصل را زیر سؤال برد. او به جای این که به مردم بگوید، محاکمه صحرایی یک شخص متهم، هیچ مبنای عقلی، قانونی و شرعی ندارد، دولت را از بازداشت و محاکمه عاملان قتل فرخنده بر حذر داشت. او حتی گفت کسی که به قاتل برادر خود شلیک کند هم نباید مورد ملامت قرار بگیرد. این حمایت آشکار از محاکمه صحرایی است. "خلای اطلاعاتی" در این وسط اصلاً مطرح نیست. یک فقیه، کسی که دکتراى فقه و قانون دارد، حتماً می داند که محاکمه صحرایی یک تبعه متهم به قرآن سوزی، هیچ توجیه قانونی، عقلانی و شرعی ندارد. او باید به صورت دقیق همین نکته را به مردم می گفت. او باید به مقتدیانش تفهیم می کرد که اگر کسی قرآن را در خیابان بسوزاند، مردم عام حق ندارند، او را در آنجا محاکمه و مجازات کنند بلکه محاکم رسمی باید قرآن سوز را محاکمه کنند.

آقای نیازی بعد از این که اطلاع یافت فرخنده قرآن سوز نبود، به خانواده او تسلیت گفت. ایشان تا حال هم نگفته اند که نفس محاکمه صحرایی یک قرآن سوز، حرمت دارد. از تبعه حقوق دان یک جمهوری که همزمان خطیب و امام جمعه هم است، انتظار می رود که نقش مهم در حمایت از حاکمیت قانون ایفا کند. دانش حقوقی آقای نیازی شاید بیشتر از همه امام های جمعه کابل باشد. علاوه بر این، آقای نیازی، بیشتر از هر ملای دیگر کابل، قدرتمند است. تلویزیون های سیاستمداران پرنفوذ، سخنرانی های او را ضبط و پخش می کنند. هم چنین در نماز های جمعه مسجد وزیر اکبرخان، دیپلمات های خارجی و مقام های عالی رتبه کشور شرکت می کنند. به همین دلیل قشر مکتب خوانده و طبقه متوسط جامعه شهری، از ایشان بیشتر از دیگران توقع داشتند. سرخوردگی طبقه متوسط شهری و استفاده کنندگان فیسبوک از آقای نیازی نیز بیشتر معلول همین توقع است. بنا بر این بحث بر سر "خلای اطلاعاتی" نیست. محل نزاع استفاده کنندگان شبکه های اجتماعی و طبقه متوسط شهری با آقای نیازی، دفاع از محاکمه صحرایی است. از سخنان آقای نیازی به روشنی استنباط می شود که ایشان محاکمه صحرایی یک قرآن سوز را مشروع می دانند. تبلیغ این باور، پیامدهای اجتماعی خطرناک دارد. وقتی مردم به این باور برسند که محاکمه صحرایی یک قرآن سوز مشروع است، امنیت از شهر و خیابان رخت می بندد. در آن صورت، آدم سوزی و خودسری قاعده رایج در شهر می شود. در آن وضعیت یک اتهام بی پایه کافی است تا انسان ها را به آتش بکشند. برای جلوگیری از چنین وضعیتی ایجاب می کند که معتقدان به محاکمه صحرایی نقد شوند.

در هر کج و کنار این دنیا، وقتی حقوق دانی از محاکمه صحرایی دفاع کند، یا یکی از مصداق آن را توجیه کند، صلاحیت اخلاقی خود را از دست می دهد. آقای نیازی هم دیگر صلاحیت اخلاقی و عظم و ارشاد مردم را از دست داده است. ایشان باید برای اعاده صلاحیت خود، اعلام کنند که محاکمه صحرایی مشروع نیست و دیگر این که مدتی از عظم و ارشاد کناره گیری کنند.

آقای عطا محمد نور پیش از صدور اعلامیه اش در دفاع از آقای نیازی باید در مورد محل نزاع ایشان با استفاده کنندگان شبکه های اجتماعی و برخی از فعالان مدنی، معلومات خود را کامل می کرد. واقعیت این است که آقای نور خود، در مورد محل نزاع آقای نیازی با استفاده کنندگان شبکه های اجتماعی، در "خلای اطلاعاتی" قرار دارد. به ایشان گزارش دقیق در مورد این نزاع نداده اند. آقای نور باید متوجه باشند که موضع گیری های شتاب زده، به سود ایشان نیست. هر کسی می داند که حساب اهانت کنندگان از منتقدان متعهد به نظم و امنیت اجتماعی جدا است. هتاکي و اهانت از نظر همه کسانی که مسأله شان امنیت و آرامش جامعه، تأمین نظم و قانون است، پذیرفتنی نیست. اهانت به آقای نیازی و هر کس دیگر سخت نکوهیده و ناپسند است، اما نقد باورهای ایشان حق همه هموطنان کشور می باشد. نباید هیچ کسی فوق نقد و بررسی باشد.

پایان

با تشکر از سایت وزین ۸ صبح

